



همبستگی هفتگی

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۱۴۷

۴ مه ۲۰۰۴
۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳

HAMBASTEGI
WEEKLY PAPER OF IFIR

www.hambastegi.org

همبستگی هفتگی

سه شنبه ها

منتشر میشود

سردبیر: فرشاد حسینی

شماره تلفن:

0031 613 940 534

ایمیل:

farshadhoseini@yahoo.com

این گوشه ای از قدرت ماست!

ناسیونالیسم ایرانی و پناهندگان افغانی

فرشاد حسینی

مدتی است که جمهوری اسلامی با وقاحت هر چه تمامتر و در اوج وحشیگری اقدام به اخراج یک و نیم میلیون پناهنده افغانی از ایران و تحمیل راسیستی ترین قوانین به این شهروندان دست زده است. بار دیگر دستهای کثیف جمهوری اسلامی بر روی پناهندگان افغانی که سالهاست در ایران کار کرده و با خون و عرق و جبن خویش در اوج بیحقوقی روزگار سختشان را در این کشور گذرانده اند، دراز شده است. بر روی جاده های این کشور و بر روی در و دیوار و آجرهای اکثر خانه ها و ساختمانهای ایران میتوان جای کار و تلاش و عرق این شهروندان را دید.

صفحه ۳



گزارشی از تظاهرات بزرگ روز ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ در مقابل پارلمان سوئد!

به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، روز چهارشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۰۴ در میدان مقابل پارلمان سوئد در استکهلم، جمع کثیری از مردم در کنار پناهجویان جمع شدند و با شعارهای کوبنده در دفاع از مطالبات برحق پناهندگی و افشای جنایات بیشمار حکومت اسلامی بر خواستهای این تظاهرات تاکید گذاردند.

صفحه ۵

درد بر شما

درد بر شما که در دفاع از حق انسان مرز نمی شناسید

به فعالین و مسئولین فدراسیون در سوئد

کیوان جاوید، دبیر موقت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۲۷ آوریل ۲۰۰۴

دوستان عزیز من!

چند روز قبل شهر استکهلم شاهد یک نمایش قدرت بزرگ از طرف بیش از ۷۰۰ تظاهرات کننده و سخنرانی دهها نفر از احزاب مختلف بود. هدف از این تجمع که به فراخوان فدراسیون در سوئد برگزار گردید دفاع بی قید و شرط از پناهجویان ایرانی است که به حکم یک مشت شکم سیر زندگی، شادابی و امنیت جانی انسانهای بیشماری را به بازی گرفته اند.

صفحه ۳

در این شماره میخوانید:

به اعتراض ما علیه بیحقوقی ... ص ۲

روی خط همبستگی ص ۴

خانم وزیر پاسخ دهید! ص ۶

مشکلات زنان پناهجو در ترکیه ص ۷

در مقابل شما

ایستاده ایم!

سخنرانی اسماعیل مولودی در تجمع بزرگ پناهجویان، مقابل پارلمان سوئد

خوشحالم که امروز (چهارشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۰۴) شما پناهجویان از سراسر سوئد در تظاهراتی که فدراسیون پناهندگان ایرانی فراخوان داده حضور فعال دارید. این تظاهرات نشان میدهد که ما عزم جزم کرده ایم در مقابل قوانین غیر انسانی پناهنده پذیری دولت سوئد بایستیم، اعتراض و نارضایتی خود را از

صفحه ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی و برابری



منصور حکمت

با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی، تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آورده های بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انساندوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم و نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی، بدون در نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود.

بقول او: "همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است".

به اعتراض ما علیه بیحقوقی پناهجویان در آلمان پیوندید!

ارتجاع مذهبی بوجود آورد، باید سیاستهای دول غربی را عقب زد، این کار ماست!

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی-واحد آلمان از مردم آزادیخواه، سازمانها مدافع حقوق مدنی و مدافع حقوق پناهندگی می خواهد که به این کمپین پیوسته، از آن حمایت کرده و از مبارزه ما برای رسیدن به حق و حقوق پناهندگان حمایت کنند.

تلفنهای تماس با ما:

برلین: فرانزه درخشان ۱۷۴ ۴۹ ۰۱۷۳ ۷۹

لاپیزیک: سعید اعتضادزاده ۶۲ ۰۱۷۹ ۱۴۵ ۹۳

به تلویزیون همبستگی کمک مالی کنید!

تلویزیون همبستگی هر هفته سه شنبه ها به مدت نیم ساعت از کانال جدید پخش می گردد. طی اولین و دومین برنامه ای که ما موفق به پخش آن گردیدیم ارتباطات قابل توجه و مهمی از ایران، ترکیه، یونان و انگلیس با ما گرفته شده است. ما قصد داریم در برنامه های تلویزیونی همبستگی به پناهجویان و آنهایی که قصد دارند بعنوان پناهجو از ایران خارج شوند اطلاعات حقوقی بدهیم تا با دست بازتری بتوانند از کیس پناهندگی خود دفاع کنند. کمک مالی به این برنامه کمک به پناهجویانی است که از دست اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی فرار کرده و به کشورهای دیگر پناه آورده اند. هزینه ای که قرار است هر ماه به کانال جدید بپردازیم ۵۰۰ پوند است تامین این مبلغ تداوم دهنده برنامه ما است.

تعرض به ابتدائیترین حقوق فراریان جهنم جوامع اسلامزده ای چون ایران به کسب و کار دول اروپایی تبدیل شده است. روزی نیست شاهد دیپورت صدها پناهجوی فراری از دیکتاتوری، جنگ و تباهی نباشیم. امروز هزاران پناهجوی "غیرقانونی" در سراسری اروپا از ابتدایی ترین حقوق انسانی شان محروم هستند. امروز دهها هزار پناهجو با کمترین امید باید سالیان طولانی را در انتظار دادگاهها و جواب بنشینند. امروز جان هزاران زن که از کشورهای اسلامزده فرار کرده اند در خطر است اگر آنها باز فرستاده شوند آینده ای بهتر از کبرحمانیور و افسانه نوروژی پیش رو ندارند. امروز هزاران کودکی که خود حق انتخاب محل زندگی شان را نداشته اند بدون هیچ افتق و آینده ای در گوشه هایمهای پناهندگی و یا گتوهای محروم تباه می شوند.

در اعتراض به این همه بی حقوقی و تهدید اخراج و دیپورت با ما همصدا و همگام شوید!

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی-واحد آلمان در ادامه کمپنهایی که در کشورهای سوئد، هلند و بلژیک علیه سیاستهای ضدپناهندگی دول اروپایی برپا داشته است، کمپنی را در آلمان فراخوان داده است. هدف این کمپین اعتراض به دیپورت، وضعیت نامعلوم متقاضیان پناهندگی، انتظار طولانی، بی حقوقی و ایجاد محدودیتهای سیاسی و اجتماعی و دریک کلام سازماندهی اعتراض و مقاومت بر علیه این سیاستهای دولت آلمان است.

باید به این شرایط پایان داد، باید شرایط امنی برای فراریان از کشورهای دیکتاتوری، فاشیستی و



درد بر شما

مشتی بی خیال از رنج و درد مردم که نام دولت سوئد بر خود گذاشته اند تلاش فوق انسانی ای بخرج داده اند تا به کودک نگران و رنجیده بگویند زندگی زیر سرنیزه آخوند جماعت آنقدرها هم که می گویند بد نیست. بروید بجایی که در آنجا دنیا آمده اید و بسوزید و بسازید.

میدانم تک تک شما که این تجمع بزرگ را سازمان داده اید چه کار پر زحمتی متحمل شده اید. اما خوب میدانم که همگی شما از تلاشی که برای سازماندهی این اعتراض بزرگ کرده اید شاد و پر انرژی هستید. زیرا کافی است در جایی پای دفاع از یک زندگی بهتر در میان باشد تا همگی شما با تمام وجود پا به میدان مبارزه بگذارید. این تلاش شما در راستای همان مبارزه ای است که بیش از چند میلیون انسان علیه جنگ در عراق را به میدان کشید. این جنگ جهان متمدن در برابر توحش جهان سرمایه داری است. جهان به انسانهای چون شما بیش هر زمان دیگر نیاز دارد. درد بر شما و صمیمانه دستتان را می فشارم و در مبارزه ای که در پیش گرفته اید برایتان آرزوی موفقیتهای بیشتر دارم.



شماره حساب فدراسیون در آلمان

Hambastegi

شماره حساب 7852643

Bankleitzalt 8915073

Sparkasse Koeln

Bank Stadt

Germany

شما در این تجمع بزرگ و در دهها و صدها اعتراضی که در سوئد سازمان داده اید همین حکم انسانی را به صراحت به دولت سوئد گفتید که این طوق لعنتی مرز و ملیت و وطن را به رسمیت نمی شناسید. طوقی که قرار است با تبدیل انسان به ایرانی و عراقی و سومالیایی و ... حکم بر نابودیشان بدهد. دوستان!

ناسیونالیسم ایرانی و ...

انسانهایی که بیش از دو دهه به عریان ترین و خشن ترین شکلی استثمار شدند تحقیر شدند و از حقوق ابتدایی خود محروم شدند. هر یک از این انسانها اگر میتوانستند از زندگی سخت و کار شاق خود و انواع ستمهایی که به آنها رفته بنویسند قطعا دنیا را به حیرت و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی و راسیسم و فاشیسم تحمیلی بر زندگی آنان میکردند. اما متأسفانه آنها در جغرافیایی بنام ایران پنهان شده بودند. در جغرافیایی که ناسیونالیسم و تفکرات کثیف و ارتجاعی برتری نژادی و قومی، جوهر و خمیر مایه مشترک کل اپوزیسیونش را تشکیل میدهد. تصور کنید اگر در یکی از کشورهای اروپایی یک هزارم این تعداد را به این شکل میخواستند مانند تفاله بیرون بیندازند چه ششقرقی بپا میشد. صدها و هزاران سازمان و حزب و تشکل سیاسی از راست گرفته تا چپ بلافاصله موجی از اعتراض را در جامعه راه می انداختند. نمونه مشخص و عینی آن هلند است. با اعلام اخراج ۲۶۰۰۰ پناهجو از هلند کل جامعه بر سر اخراج پناهجویان قطنی شد. سازمانها و تشکلهای هلندی از اپوزیسیونهای بورژوازی پارلمانی تا صدها تشکل و سازمان و نهاد

مدافع حقوق انسانی به اعتراض پرداختند. میتینگ سازمان دادند. تظاهرات کردند کمپین گذاشتند. بیش از ۴۰۰ سازمان برای مقابله با این سیاست متحد شده و مشغول بکار شدند. مردم هلند در بهای خانه شان را بروی پناهندگان باز کردند. و پناهجویان را در خانه های خود نگهداشتند. کودکان هلند در حمایت از همکلاسیهای پناهجویانش به خیابانها ریختند، گل جامعه در حمایت از پناهندگان غرق در اعتراض و مبارزه شد. اما سیمای اپوزیسیون ایرانی را در مقابل اخراج نزدیک به دو میلیون پناهنده افغانی بینید. لبهاشان را لام تا کام بسته اند. به قلمهایشان قفل زده ند. مهر سکوت معنی داری را بر نشریاتشان حاکم کرده اند. سکوتی که چیزی جز مشروعیت دادن به تعرضات راسیستی و فاشیستی جمهوری اسلامی نیست. از طیف توده ای و راه کارگری که ضدیتشان با پناهنده و مهاجرین افغانی را از همان نخستین روزهای ورود این پناهجویان به ایران بروز دادند، تا سلطنت طلبها و عظمت طلبان ایرانی و اپوزیسیون پرو غربی هیچکدام این سازمانها از این فاجعه هولناک خم به ابرو نمی آورند. گویا دو میلیون کاغذ و سنگ و آجر است که دارند بیرون می اندازند.

این سکوت و خاموشی در قبال چنین فجایع هولناکی میزان پایبندی

این جریانات را به حقوق انسانها نشان میدهد. افق شان را و جهان نگریشان در قبال زندگی و شان و حرمت انسانها را بنمایش میگذارد. این آن راس هرم گنداب ناسیونالیسم ایرانی است. ناسیونالیسم و ایرانی گری تنها غوطه خوردن در هیروت شاهنامه و تاریخ ۲۵۰۰ ساله نیست. ناسیونالیسم در طول تاریخ منفعت های مادی و ملموس طبقاتی معینی را پیش برده و جایجا کرده است. در ایران اما، مردم از افق و خطوط این اپوزیسیون پیروی نمیکنند. میلیونها نفر از مردم شریف و آزادیخواه ایران میلیونها نفر از کارگران و همسنگران و هم طبقه ایهای افغانیها نسبت به این وضع معترضند و اعتراضاتشان را به اشکال مختلفی بیان میکنند. جنبش نوینی حول دفاع از حقوق انسانی در جامعه ایران در حال شکل گیری است. این اعتراضات میتواند و باید به یک جنبش عظیم و گسترده در دفاع از پناهندگان افغانی در دفاع از انسانیت و آزادیخواهی و در تقابل با ناسیونالیسم، و راسیسم و کلیت خود جمهوری اسلامی تبدیل شود. باید خاکستر زیر این آتش را کنار زد. باید گذاشت که شعله های اعتراض در سراسر ایران و نه تنها ایران بلکه در سراسر دنیا پرتو افکند. مبارزه با ناسیونالیسم و ایرانی گری و خرافات سرشار از تحقیر و تبعیض ایرانی یکی از اصلی ترین شرطهای دفاع صریح و



بی قید و شرط از ارزشهای انسانی و اجتماعی است. جامعه ایران در مرحله حساسی از تحولات سیاسی قرار گرفته است. این تحولات در لحظه لحظه خود باید بارها و ارزشهای انسانی هر چه بیشتری به مبارزات خود دهد. باید این تحولات را عمق بیشتری داد و آنرا به ریشه های انسان کشاند. جمهوری اسلامی زبون تر عاجزتر و ناتوانتر از آنست که بتواند در مقابل موج عظیم اعتراضات مردم بایستد. باید در مقابل تلاش جمهوری اسلامی برای اخراج افغانها، جنبش دفاع از افغانیها و اخراج جمهوری اسلامی و سرنگونی جمهوری اسلامی را سازمان داد و تقویت کرد. این جنبش پایه مادی خود را دارد چه در ایران و چه در خارج. این جنبش، کمونیسیم کارگری را با تمام صلابتش در کنار خود دارد. جنبشی که ستون فقرات و محور جنبش دفاع از حق شهروندی پناهندگان افغانی در ایران است.

در مقابل شما ...

آنچه که بسرمان میآورند ابراز داریم. ما با این تجمع خود میگوییم ما از جنایتهای جمهوری اسلامی ایران فرار کرده ایم، ما عیله آپارتاید جنسی در ایران مبارزه کرده ایم، ما می خواهیم به شما جنایتهای دولت جمهوری اسلامی را نشان دهیم تا شما متوجه شوید که بر مردم ایران چه میگذرد. می خواهیم به شما بگوییم دست از حمایت و معامله سیاسی با ایران بردارید. ایران کشوری نا امن است و خود شما دولت سوئد در اسناد وزارت امور خارجه تان به نقض حقوق بشر در ایران اذعان و اشاره کرده اید.

ما فدراسیون پناهندگان ایرانی در افشاکری از جمهوری ایران کوتاه

نیاییم و تا نابودی و سرنگونی جمهوری اسلامی از پای نخواهیم نشست. بنا براین سازمان دادن این چنین تجمعهایی از زنان و مردان آزادیخواه که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند را به امر مبارزه روز مره خود برای رسیدن به خواست هایمان و افشای جمهوری اسلامی و ایستادن در مقابل سیاستهای غیر انسانی پناهنده پذیری دولتهای اروپایی تبدیل میکنیم. ما از دولت سوئد می خواهیم که ایران را بعنوان کشوری نا امن بشناسد. ما خواهان لغو فوری اخراج پناهجویان از سوئد هستیم. ما خواهان بازگشایی پرونده های پناهجویان مخفی هستیم و می خواهیم که کودکان و زنان و خانواده های پناهجویان مخفی اجازه اقامت دائم بگیرند. برای کشوری مثل سوئد که کوانسیون حقوق

پناهندگی را برسمیت شناخته شرم آور است که حقوق انسانی انسانها را نادیده میگیرد.

مردان و زنان آزاده ای که امروز اینجا جمع شده اید!

نباید اجازه دهیم سرنوشت خود و بچه هایمان به بازی سیاسی بین دولتها تبدیل شود. تنها حضور ما در خیابانها میتواند بانگ رسای ما را بگوش جامعه و مردمان آزادیخواه برساند، میتوانیم بدینوسیله حمایت آنها را جلب کنیم. ما در این جامعه زندگی میکنیم، بچه هایمان در این جامعه بزرگ میشوند ما حق داریم که حقوق انسانی خود را بخواهیم و دولت سوئد باید حقوق انسانی، اجتماعی و فردی مارا برسمیت بشناسد. من از این تریبون اعلام میدارم که خواستار برسمیت

شناسی حقوق شهروندی برای همگی پناهجویان هستیم. بار دیگر بر اتحاد و همبستگی برای پیشبرد خواسته هایمان تاکید میکنم. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سراسر اروپا از هلند، دانمارک، بلژیک، سوئد، پاکستان، هند و ژاپن تا کانادا و آمریکا در دفاع از حقوق پناهندگی مبارزه میکند. در این تشکل که تنها تشکل رزمنده در دفاع از حقوق شماست متشکل شوید. این جمع حاضر بانگ رسای ما به دولت مردان سوئد است که باید حقوق انسانی پناهجویان را برسمیت بشناسد.

زنده با اتحاد ما کف زدها چند بار سخنان سخنران را قطع کرد. و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی همه جا طنین انداز بود. ۲۲ آوریل ۲۰۰۴

روی خط همبستگی

از میان نامه ها

باسلام به رفقا

رفقا یکی از دوستانمان در ترکیه پناهنده است دچار مشکل شده است. در روز ۱۹ آوریل ۲۰۰۴ پلیس از رضا میخواهد که در سازمان امنیت مترجم فرد مشکوکی که پلیس دستگیر کرده بود بشود. رضا احساس میکند که این فرد را در گوهردشت کرج دیده است و قیافه آن شخص برایش آشناست. این فرد اسمش طبق گفته خودش سپهداد فیوج میباشد البته اسم اون در پاسپورت علی اکبر (فامیلی اش را دوستان فراموش کرده است چونکه پلیس اجازه نداده دوستان زیاد در پاسپورت علی اکبر نگاه کند) طبق گفته پلیس پاسپورت هم جعلی میباشد. این فرد (علی اکبر) مدت دو ماهی بود که در ترکیه ماشین کرایه کرده بود و به شهرهای متفاوتی مسافرت میکرد و در مورد پناهندگان از مردم ترکیه پرس جو میکرد البته او اظهار کرده بود که ترکی بلد نیست ولی وقتی ازش پرسیده شده بود که چطوری ماشین کرایه کرده گفته بود که تابلوی کرایه ماشین را دیده و تصمیم گرفته که ماشین کرایه کند. علی اکبر اظهار کرده بود که تصمیم داشته به سوریه برود. پلیس سوال کرده بود که از کجا پول میگرفت (مبلغی که اون هرمان داشت پول کمی بود) گفته بود که از بانک پول میگردد ولی حساب بانکی ندارد. علی اکبر تماما ضد و نقیض صحبت میکرد و مهمتر حدس دوستان در مورد اینکه او را میشناسد درست بود چونکه آدرسی که در پاسپورت نوشته شده بود محل زندگی (خانه های سازمانی) کارکنان ماموران زندان گوهردشت کرج میباشد. رضا (دوست پناهنده مان) مطمئن بود که این فرد را قبلا دیده و از کارکنان جمهوری اسلامی میباشد. این فرد تاکید داشت که او را به سفارت جمهوری اسلامی تحویل دهند. ایرج رضایی

دوستان عزیزم سلام، امروز با پیگیری بابک در شهر اسپاردا در خصوص منصور هناره اطلاع پیدا نمودیم که پلیس منصور را آزاد کرد و قرار است فردا منصور یک

نامه به وزارت کشور نوشته و تقاضای اقامت دوباره نماید و پلیس ۲ الی ۳ روز به منصور برای اینکار وقت داده است. چون در حال حاضر دیپورت اولش را گرفته احتمال زیاد با تقاضای ایشان موافقت شود. من اگر موارد دیگری بود بلافاصله شما را در جریان میگزارم. علیرضا

فدراسیون محترم پناهندگان ایرانی با سلام من پناهجوی ایرانی جمال آتش پناهی و محسن افضلی پور مدت یکسال و اندی است که در دهلی نو هستیم و تاکنون دو بار جواب منفی دریافت کردیم. ما بخاطر اختلاف سیاسی و عقیدتی با حکومت آخوندی مجبور به ترک کشور شدیم. ما قصد داریم که بعنوان اعتراض در جلو UNHCR تحصن کنیم. خواهش من از شما دوستان و هموطنان عزیز اینست که به دفاتر UNHCR در اروپا فشار آورده تا ما از حق پناهندگی که حق هر کسی است که از ایران فرار میکند برخوردار شویم. قبلا از همکاری شما عزیزان متشکریم. جمال آتش پناهی و محسن افضلی پور دهلی نو سلام فرهاد جان امیدوارم شاد و خوش باشید. از اینکه به فکر ما هستید ممنونم ما ۲ روز است که جلو UNHCR هستیم و همانجا میمانیم تا ببینیم چه میشود. دخترم دو ماه پیش خود سوزی کرد البته زود رسیدم و فعلا خوب شده و آنها یک نوبت دادند که او را ببرند پیش دکتر UNHCR حالا بعد چی میشه نمیدانم. فرهاد جان من از شما خواهش میکنم هر کمکی که میتوانید برای نجات بچه ام از اینجا بکنید انجام دهید. باور کنید شرایط خیلی بدی داریم نمیدانم چکار کنم. من از شما خواهش میکنم با هر طریقی که بتوانید UNHCR را تحت فشار قرار داده تا ما نجات پیدا کنیم. قربانت فاطمه

من این نامه را از استرالیا برایتان میفرستم من بطور داوطلبانه در رابطه با پناهجویان و پناهندگان ایرانی کار میکنم. من عضو گروهی بنام روستاییان استرالیایی در دفاع از پناهندگان هستم. در حال حاضر مشغول پیدا کردن اطلاعاتی هستم که بتوانم به یک موزیسین ایرانی که در ایران بخاطر موسیقی و آوازش تحت تعقیب بوده کمک

کنم. او معمولا موزیکهای پاپ را در مراسمهای عروسی میخوانده. من دنبال اطلاعاتی هستم که بتواند موقعیت آسیب پذیر و نقض حقوق انسانی موزیسین ها در ایران را نشان دهد. ممکن است اگر اطلاعاتی یا سازمانی که بتواند چنین اطلاعاتی را در اختیارم بگذارد را سراغ دارید برای من ارسال کنید. آیا در انگلستان هیچ موزیسینی را میشناسید که بخاطر فعالیتهايش در عرصه موسیقی تحت تعقیب قرار داشته و موفق به دریافت پناهندگی شده باشد؟ خوشحال میشوم که هر نوع اطلاعاتی را در این زمینه برای من ارسال کنید.

آقای فرهاد حسینی عزیز، من از طرف یک گروه دانشجویی تولید فیلم این نامه را برای شما ارسال میدارم. ما در حال حاضر سال آخر رشته تولید فیلم در کالج هنر فالموت را میگذرانیم. برای پروژه آخرمان تصمیم داریم یک فیلم مستند تلویزیونی بنام آزادی مردم عراق توسط تونی بلر و جرج بوش بسازیم. این فیلم به این موضوع میپردازد که تونی بلر گفته بود که ما وظیفه اخلاقی داریم که بخاطر خطر صدام و سلاحهای شیمیایی او به عراق حمله کنیم. بسیاری از دلایل بهانه ها و توجیهاتی که تونی بلر برای حمله به عراق و کشیدن ما به یک جنگ خونین به جامعه ارئه داده را میتوان به انگیزه هایی برای حمله به بریتانیا و آمریکا نیز نسبت داد. بعبارتی با همان توجیهات میتوان ادعا کرد که بریتانیا و آمریکا نیز باید مورد تعرض قرار بگیرند. ما بسیار علاقمندیم که سازمان شما نیز در این پروژه شرکت و بما کمک کند. من کاملا درک میکنم که این یک موضوع بسیار حساسی است. اما واقعا معتقدیم که این پروژه میتواند چهره واقعی رهبران جنگ طلب را به مردم و دنیا نشان دهد. اگر علاقمندید که در این پروژه شرکت کرده و یا اطلاعاتی دارید که بتواند برای این پروژه مفید واقع شود بسیار خوشحال میشویم که ما را مطلع سازید.

بحث آزاد

در حاشیه ،،،،،،،،
مجید پستنچی
در شماره ۱۴۶ همبستگی مطلبی

از مینو نفری تحت عنوان "چه کسی بفرم ماست" را خواندم. لازم دیدم اشاره ای به این بحث کرده و از گوشه ای دیگر به این مطلب نظری بیندازم. به نظر من چیزی که باعث خوشحالی آدمها از افشا و یا محکوم کردن اسلام سیاسی بویژه جمهوری اسلامی توسط سازمانهای جهانی میشود را باید در چگونگی بوجود آمدن این گزارشات از درون این سازمانهای به اصطلاح حقوق بشری دید. گزارشاتی که مبارزات گسترده مردم، پیدایشش را تحمیل کرده است. مسلم است که این گزارشات در روابط حکومتها بطور واقعی تاثیری ندارند. اما چیزی که شکار است نقش چنین گزارشاتی در آبروریزی هر چه بیشتر برای جمهوری اسلامی و نزد انسانهای متمدن امروز است. در پی آن مهمتر نقش حمایتهای همین مردم از مبارزات مردم داخل و خارج کشور علیه اسلام سیاسی بیشتر و بیشتر کرده است. تا جایی که مردم در همین هلندی که به آن اشاره کردید درست بر خلاف نظر شما نه از روی ترحم بلکه از روی حق انسانی پناهندگان بدرستی در پی حمایت از پناهجویان تا جایی بییش رفته اند که بعضا خانه های خود را در اختیار آنان قرار میدهند و حتی در بعضی شهرهای همین هلند مردم به دولت اجازه برپائی و گشایش مراکز دیپورت پناهجویان را نداده اند. آزار و اذیت پناهجویان و اینکه آنان را دزد و قاچاقچی و خلافکار خطاب میکنند را نباید بحساب مردم گذاشت. این دقیقا کار خود مدیای حکومتهاست و درست در جهت این حمایت وسیع مردم به صورت آگانه از طرف حکومتها پی ریزی میشود، تا بتوانند این حمایتها را کاهش داده و مردم را از صحنه بیرون برانند. ولی خوشبختانه حضور قدرتمند مردم نشان داده که این تبلیغات آب در هاون کوبیدن است و مردم امروز چشمشان به مراتب بازر است، واین ترفندها نمیتوانند انسانها را راضی به دیدن یکی از فجیع ترین و وحشیانه ترین حملات تاریخ به حقوق انسانی پناهجویان کند.

و اما در مورد گزارشات در محکومیت جمهوری اسلامی ، این گزارشات همانطور که خودتان هم اشاره کردید نه تنها نیمی بلکه فقط گوشه کوچکی از جنایات

این گوشه ای از قدرت ...

- میدان مقابل پارلمان سوئد، با دهها پرچم و پلاکارد در دفاع از حقوق پناهندگی، اعتراض به جنایتهای جمهوری اسلامی آراسته شده بود. صدها نفر از شهرهای مالمو، یوتیبوری، نورشوپینگ، وستروس، هالستاهامار، کارلسکرونا، استکهلم، فالون، گیمو، اوپسالا، یوله و بودن در شمال سوئد شرکت کرده بودند. گروههای عکاس و فیلمبردار از روزنامه های «مترو» و «فالون تیدنینگ» («سیدسونسکا») و روزنامه «داگنز نی هتر» به تظاهرات آمده بودند تا گزارش و خیر تهیه کنند و هر کدام گوشه هایی از آنرا منعکس کردند.

غرفه اطلاعاتی، نمایشگاه عکس جنایات جمهوری اسلامی و گروههای تناتر از شهرهای استکهلم و بودن که با نمایش جنایتهای جمهوری اسلامی در ایران توجه همگان را بخود جلب میکرد و جلوه خاصی به این تجمع اعتراضی میداد و مورد توجه کلیه خبر نگاران قرار گرفت.

حضور خبرنگاران رادیوهای فارسی زبان از شهرهای یوتیبوری و استکهلم که بطور مفصل گزارش تظاهرات را ضبط و پخش کردند و نیز تیم خبر تلویزیون انترناسیونال و رادیو سراسری انترناسیونال حاکی از اهمیت مسئله پناهجویی و حضور و نقش غیر قابل انکار فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بود.

اعضایی از گروه هنری «گلبنگ» برای اعلام حمایت از خواسته های پناهجویی برنامه هنری ارزنده ای اجرا کردند، که بسیار مورد توجه قرار گرفت و همچنین حضور سازمانها و احزاب سوندی چشمگیر و حاکی از جلب حمایت از تظاهرات فدراسیون برای حقوق پناهندگی بود.

در این روز کیمیا پازوکی، دبیر فدراسیون در استکهلم، مجری برنامه، شروع تظاهرات را اعلام کرد و در مورد اهداف این تظاهرات، بزبانهای فارسی و سوندی سخن گفت.

اسماعیل مولودی دبیر فدراسیون کشوری در سوئد، بزبانهای فارسی و سوندی وضعیت وخیم پناهندگی،

و قوانین ضد انسانی دولت سوئد را بر شمرد، «Fredrik Malm» از حزب لیبرال مردم سوئد، سیامک بهاری دبیر تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران و اولریکا کارلسون Ulrica Karlsson از حزب مدرات، مهین علیپور از کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان، نماینده سازمان هیچکس غیرقانونی نیست، آنتیا دوراتسی از آسپل کمیته. در همه سخنرانی ها سخنرانان بر غیر انسانی بودن قوانین پناهندگی اشاره کردند و خواهان تغییر قانون بنفع پناهجویان بودند.

هیئتی نمایندگی همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی برای ملاقات و گفتگو و اعلام اعتراض با مسئول و سخنگوی کمیسیون اجتماعی پارلمان آقای «توماس اینروت» و نیز نمایند پارلمان در وزارت امور مهاجرین («آقای یوستا والستروم» در ساختمان پارلمان سوئد دیدار کردند. و با تاکید بر وضعیت اسفناک حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و چرایی فرار مردم از ترور و اختناق سیاسی، با ارائه اسناد فراوان و غیر قابل انکار از اعضای کمیسیون خواستند تا دولت سوئد دست از حمایت از جمهوری جنون و جنایت اسلامی بردارد و همزمان اسامی بیش از پانصد پناهجوی ایرانی که فعال سیاسی علیه جمهوری اسلامی بوده اند و اکنون یا منتظر جوابند و یا مخفی زندگی میکنند را به نمایندگان پارلمان سوئد ارائه کردند. سند وزارت امور خارجه سوئد در مورد نقض حقوق بشر در ایران منتشره در سال ۲۰۰۳ به تفصیل مورد بحث قرار گرفت.

هیئت نمایندگی فدراسیون، اسماعیل مولودی، کیمیا پازوکی و مهین علیپور، در این ملاقات تاکید کردند که خواهان آند که ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بعنوان کشوری ناامن شناخته شود زیرا با وجود اختناق مذهبی، ترور و سرکوب آزادی های فردی و اجتماعی انسانها، پایمال میگردد. جمهوری اسلامی، دولتی نرمال و دموکراتیک نیست بارها سازمان ملل بخاطر نقض حقوق بشر محکومش کرده است. هیئت پارلمانی بر نقض قوانین در ایران اعتراف داشتند و قول دادند که این مذاکرات را به گوش اعضای کمیسیون برسانند و این مسئله را

پیگیری کنند.

هنگامی که هیئت نمایندگی فدراسیون در حال مذاکره بودند نمایندگانی از احزاب پارلمانی، از حزب، چپ، مردم، مدرات و محیط زیست و سنتر، طبق برنامه ریزی تعیین شده، در پانل ومیزگرد خیابانی تظاهرات شرکت کردند و درمورد تغییر قوانین پناهندگی اظهار نظر کردند. این مناظره زنده، موجب گردید احزاب پارلمانی نظرات خود را به وضوح بیان دارند و موضع دقیق خود را نسبت به مسایل پناهندگی ابراز دارند. همچنین نظرات و انتقادات فدراسیون را بشنوند.

هیئت نمایندگی پس از بازگشت از ملاقات با کمیسیون اجتماعی پارلمان سوئد، نتیجه و جزئیات گفتگوی خود را برای حاضرین توضیح دادند.

در پایان به پاس قدردانی از بنیان گذار فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، حاضرین با شعارهای زنده باد منصور حکمت، یاد عزیز او را گرامی داشتند. و تظاهرات درمیان فریادهای رسای مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری با موفقیت خاتمه یافت!

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد
۲۲ آوریل ۲۰۰۴

مشکلات زنان پناهجو ...

است که با آن مواجه هستیم باید جواب ما را بدهند.

۶- بچه هایم به مدرسه یوان میروند ولی آنچنان که باید باشد نیست یعنی مدرسه نیست اما از خانه ماندن بهتر است .

۷- از سردرگمی ، سؤ تغذیه، بی امکاناتی برای بچه هایم و بلاتکلیفی پرورده .

۸- خیر .

۹- از مدافعان حقوق بشر انتظار داریم که حق ما را پایمال نکنند و از حقوق پناهندگی ما بشدت دفاع کند.

۱۰- گفته اند که شمال عراق را دیپورت نمیکنیم ولی به آنها هم پرواز نمیدهیم .

((یوان)) عراقی

۱- ۴ سال در ترکیه هستم پرونده بسته مطلق که از ژنو گفته اند پرونده عراقیها متوقف است و هیچ جوابی نمیدهند .

۲- بله مستقلا مصاحبه شدم عادی بوده .

۳- از راه خدمتکاری و کارگری در منزل ترکها که کفاف زندگیم را نمیدهد ولی بخاطر بچه ام مجبورم .

۴- از هیچ امکاناتی برخوردار نیستم و محروم از هر نوع امکانات برای مشکلات پزشکیم بخاطر بسته بودن پرونده ام یوان کمکی نمیکند و هیچ امکاناتی برای برای رفتن به دکتر نداریم هزینه دکتر ، درمان اینجا گران است و من از عهده آن بر نمیآیم مگه خودم خود به خود خوب بشم .

۵- مهمترین مشکلم بی جوابی از یوان وبا وضعیت زندگی بحرانی و خرابی که دارم بزرگترین مشکل من است و تنها راه حل که یوان هر چه زودتر جوابم را بدهد و از این بلاتکلیفی در بیائیم .

۶- یک دختر ۳ ساله دارم از نظر جسمی مریض است از نظر هوشی خیلی ضعیف و از هیچگونه امکاناتی برخوردار نیست حتی از داشتن اسباب بازی ساده هم محروم است .

۷- از زندگی نکیت بار اینجا از مشکلات اقتصادی پزشکی و همچنین همسرم نیز با فرزندم مرا اینجا تنها گذاشته و معلوم نیست به کجا رفته .

۸- از بیرون خیر اما از طرف همسرم که بشدت شکنجه میشدم جسمی و روحی که مرا به زور به عراق برگرداند و من با توجه به اینکه به خلاف خانواده با آن ازدواج کردم دیگر راه برگشت به عراق ندارم و مرا با فرزند ۳ ساله ام با تمام مشکلات تنها گذاشت و رفت .

۹- به عنوان یک زن تنها از سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و مدافع حقوق زنان میخوام که از ما بشدت دفاع کنند

۱۰- خیر و من هیچ راه برگشت به کشور عراق ندارم .

شماره حساب فدراسیون
در انگلیس

Account Holder: IFIR
Account # : 0057223

Sort Code: 309986
Lloyds Bank
London, UK

خانم وزیر پاسخ دهید!

نامه اعتراضی دبیر همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد نروژ به خانم ارناسول برگ (وزیر بخش‌داریهای نروژ) رونوشت به اداره امور مهاجرین نروژ

مهم است. منافع اقتصادی و بعضا سیاسی شان میباشد. حاضرند برای دست یافتن به منافع اقتصادی خودشان خیلی چیزها را زیر پا بگذارند. از جمله حقوق انسانی پناهندگان و پشت کردن به ابتدایی ترین این حقوقها و حتی تعهدات بین المللی خودشان. دولت متبوع شما با وجود اینکه با خبر است که در ایران چه میگذرد با خبر است که حاکمان جمهوری اسلامی ایران جهت ماندگار شدنشان بطور سیستماتیک مخالفان خود را به چه شکلی زندان و شکنجه و اعدام کرده و مدام مورد اذیت و آزار قرار میدهند. شما و دولت نروژ باخبرید که چرا انسانها از ایران میگریزند. و با بجان خریدن خطرات بسیار خود را به کشورهایی چون نروژ می‌رسانند.

خانم وزیر! عمیقا متاسفم از اینکه دولت نروژ و سایر دول اروپایی در رابطه با فرار انسانها از جهنم جمهوری اسلامی ایران سیاستی را اتخاذ کرده و میکنند که دورنمای آن ضد انسانی و ضد همان تعهداتی است که خود را به آن مقید نموده اید. بنظر ما اسماعیل یوسفی قربانی چنین سیاستی است بارها پناهندگان ایرانی از جانب دولت شما به ایران دیپورت شده اند. این دیپورتهای امنیتی جانی آنها را تا حد مرگ بخطر افکنده است. شکنجه های وحشیانه و زندانهای طویل المدت و خطر به قتل رسیدن از سوی جمهوری اسلامی، همواره این پناهجویان دیپورتی را تهدید کرده و میکند.

خانم وزیر! درصد پذیرش پناهجویان ایرانی از جانب وزارتخانه ایی که شما مسئول آن هستید در حد یک تا یک ونیم درصد میباشد. اداره مهاجرت نروژ که مشخصا بررسی امور پناهندگی را بعهده دارد بدون در نظر گرفتن واقعیات موجود بر اساس سیاست عدم پذیرش پناهندگی تصمیمامت شوم خود را برای پناهجویان ایرانی اتخاذ میکنند که یک نمونه از عوقب تکان دهنده آن کشته شدن اسماعیل یوسفی از جانب جمهوری اسلامی میباشد.

خانم ارناسول برگ ! ما همانند

یک سازمانی که مدافع حقوق پناهندگی و انسانی هستیم اعتقاد داریم که هر کسی که از جهنم جمهوری اسلامی ایران می گریزد باید از حق پناهندگی برخوردار شود. بدینوسیله مصرانه از شما میخواهیم که :

۱- روشن نمایید که چرا اداره مهاجرت نروژ اسماعیل یوسفی را برای بار دوم به ایران دیپورت کرده است که منجر به کشته شدن گردیده است. عامل دیپورت این پناهجو کیست؟

۲- ایران را باید فوراً بعنوان یک کشور ناامن برسیمت شناخت.

۳- دیپورت کلیه پناهندگان ایرانی از نروژ به جهنم جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود.

۴- بازگشایی و بررسی دوباره پرونده هایی که توسط مقامات اداره مهاجرت بطور کلی بسته شده و حکم دیپورت دریافت نموده اند.

خانم ارناسول برگ! اگر به این نامه و به مطالبات مطرح شده در این نامه پاسخ ندهید، به تمامی رسانه های گروهی، سازمانها و احزاب و اتحادیه های کارگری و مردم نروژ پناه برده و از آنها میخواهیم که علیه این سیاست ضد پناهندگی عکس العمل نشان دهند. ما امیدواریم با احساس مسئولیت در این رابطه اقدام کنید.

غفار غلام ویسی دبیر همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد نروژ
۲۳ آوریل ۲۰۰۴

متاسفانه به دلیل کمبود صفحه چندین مطلب خواندنی از جمله مطلبی از دوست عزیزمان جمال صابری در این شماره چاپ نشد. همچنین اطلاعیه های مهمی از واحد آلمان نیز امکان چاپ نیافت. با پوزش از جمال صابری و واحد فدراسیون در آلمان

اسلام سیاسی و بویژه جمهوری اسلامی را بازگو میکند. اسناد انتشار یافته و نیافته بشماره وجود دارند که در حافظه ها تا تشکیل یک حکومت مردمی باقی خواهند ماند و هیچگاه نابود نمیشوند. حتی حامیان جمهوری اسلامی هر چه بیشتر برای حذف و یا کم رنگ کردن این جنایات تلاش کنند باز ابعاد آن به قدری وسیع است که باز گاهی مجبور میشوند اعتراف کنند که ایران امن نیست.

اما اینکه باید چه کنیم تا این کابوس به پایان برسد؟ بنظر من این بر میگردد به نوع برخورد و خواسته های خود ما، تا آنجا که به امر مبارزه بر میگردد در همین ۲۵ سال گذشته لحظه ای مردم دست از مبارزه خود نکشیده اند و به هر شکلی که توانسته اند با جمهوری اسلامی مخالفت خود را به نمایش گذاشته اند. از اعتراضات کارگری تا دانشجویی که در این روزها جمهوری اسلامی و همپیمانانش را به تقلائی بیشتری انداخته است. الان درست ما در شرایطی هستیم که مردم میروند رهبری جنبش خود را انتخاب کنند و اعتراضات منفصل را در یک ظرف معینی متشکل نمایند و آنرا به جلوی صحنه مبارزه خود برانند. و آنرا در تداوم خواسته های انقلاب ۵۷ که همانا آزادی و برابری بود به پیروزی تبدیل برسانند. این تشکل چه در خارج و چه در داخل خواسته هایش مشخصا به امر زندگی مردم و خواسته های آنان بر میگردد و ضد انقلاب چه قبل از شروع قیام ۵۷ و چه در طی این ۲۵ سال مبارزه پیگیر مردم سعی به واراننه جلوه دادن آن نموده تا بتواند آن را به هر شکل ممکن به شکست بکشاند. باجرات میتوان ادعا کرد تا زمانی که پرچم و شعار این انقلاب و خواسته هایش انسانی است نه تنها به شکست نمیرسد بلکه به گواه همان مبارزات پی گیر و هر روزه مردم به پیروزی نزدیک میشود.

همبستگی، صدای اعتراض و مبارزه پناهجویان را تکثیر و پخش کنید!

مشکلات زنان پناهجو در ترکیه

زنانیکه از درد و رنج سخن میگویند
برای ارائه یک تصویری از وضعیت زنان پناهجو در ترکیه به معصومه شهبازی یکی از فعالین فدراسیون در شهر وان ترکیه متوسل شدم. سوالاتی را مطرح کرده و برایش فرستادم تا این سوالات را از زنان پناهجو پرسیده برای همبستگی هفتگی ارسال کند. با تشکر صمیمانه از معصومه برای زحماتش در تهیه این مصاحبه ها. سردبیر سوالات:

۱- چند وقت ترکیه هستید وضعیت پرونده پناهندگی تان چگونه است؟
۲- آیا شما بعنوان یک زن در یو ان مستقلا مصاحبه شدید یا نه؟ برخورد مصاحبه کنندگان به شما چطور بود؟ اگر مستقل مصاحبه شدید چرا؟
۳- زندگی را در ترکیه چگونه میگذرانید؟ هزینه زندگی شما چطوری تامین میشود؟ آیا درآمدتان کفاف زندگی تان را میدهد؟
۴- از نظر بهداشتی و درمانی از چه امکاناتی برخوردارید؟ مشکلات پزشکی و دارویی خود را چگونه حل میکنید؟ در صورت بیماری چکار میکنید؟
۵- مهمترین مشکلی که الان به آن مواجه هستید چیست؟ چه راهی برای حل این مشکلات پیشنهاد میکنید؟
۶- وضعیت کودکان تان در اینجا چگونه است؟ آنها از چه امکانات تحصیلی، پزشکی، بهداشتی و اجتماعی برخوردارند؟
۷- از چه بیشتر در رنج و عذاب هستید و چرا؟
۸- آیا اینجا مورد خشونتهای جنسی هم قرار گرفته اید چه از جانب خانواده و چه در بیرون خانواده؟
۹- به عنوان یک زن پناهجو از سایر سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و مدافع حقوق زنان چه انتظاری دارید؟
۱۰- آیا تا بحال برایتان دیپورتی آمده؟
پاسخ ها:

۱- به مدت ۳ سال در ترکیه هستم و پرونده ام بسته شده است.
۲- بله مستقلا مصاحبه شدم، برخورد مصاحبه کننده بعنوان یک وکیل نسبت به مشکلاتی که داشتم بی تفاوت بود.
۳- زندگی به سختی از هر لحاظ اقتصادی پزشکی و بهداشتی و هزینه های زندگی با کار کردن بصورت مخفی و گاهی اوقات حمایت خانواده ها مسلما با خرج سرسام آور اینجا این هزینه ها کفاف زندگی رو نمیده.
۴- از نظر بهداشتی و درمانی صفر از هیچ امکاناتی برخوردار نیستیم خصوصا برای زنان، UNHCR ساده ترین کمکهای پزشکی به زنان را نیز دریغ میکند در مواقع بیماری نیز کمکهای دارویی پناهجویان به همدیگر واز امکانات پزشکی هیچ گونه برخوردار نیستیم خصوصا پرونده بسته ها.
۵- مهمترین مشکلات اینجا در درجه اول بی جوابی و بی اهمیتی UNHCR نسبت به پرونده ها و همچنین درصد قبولی خیلی کم به پناهجویان بی توجهی به زنان از مسائل حقوقی گرفته تا مسائل مالی پزشکی خصوصا بهداشتی و به دنبال این مشکلات دیپورتهایی که اخیرا برای پناهجویان میآید تنها راه حلی که به نظرم میرسد فشار سازمانها نهادها و فدراسیون به ژنو برای رسیدگی به مشکلات پناهجویان است.
۶- وضعیت کودکان متاسفانه به وضعیت خود پناهندگی قاطی شده و تمام فشارهایی که به پدرموادها میآید این فشارها متقابلا روی کودکان تاثیر گذاشته و روحیه کودکان را خراب کرده از نظر امکانات بهداشتی و پزشکی صفر تفریحی و تحصیلی هم صفر. UNHCR مدرسه فرمالی برای کودکان پناهنده گذاشته متاسفانه همان طور که گفتم فرمالیته کاملا بی توجه نسبت به روحیات احساسات و هوشهای کودکان پناهنده.
۷- همانطور که در سوالات قبل از مشکلاتم گفتم، ما از همه این مشکلات رنج میبریم خصوصا برای کودکان. ببینید کودکان اروپائی در چه امکانات رفاهی هستند و مقایسه

۴- در جایی که ما زندگی میکنیم هیچ بهداشتی وجود ندارد. در مواقع بیماری هم توان مالی آن را نداریم که به پزشک مراجعه کنیم و جیلی از افراد در اینجا دچار بیماری پوستی و ریزش مو هستند.
۵- مهمترین مشکلی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم ترس از دیپورتی دوم میباشد که اگر به کشور خود دیپورت شویم خطر جانی ما را تهدید میکند و بدون تردید این سرنوشت همه پناهندگانی است که در اینجا پرونده بسته میشوند و راه حلی که میتوانم پیشنهاد کنم این است که یا از طریق سازمان و یا از طریق دیگر روی پرونده های ما کار شود که شاید راه حلی برای قبولی آن باشد و یا کسانی که میتوانند پناهجویان را ساپورت کنند.
۶- من دارای سه فرزند هستم که هر سه از تحصیل محرومند. در اینجا نیز از هیچ امکانات تحصیلی برخوردار نیستند. از لحاظ پزشکی و بهداشتی هم ما بهیچوجه تامین نمیشویم و از لحاظ اجتماعی هم مشکلات خاص خود را داریم و از طرق مختلف تحت فشار هستیم.
۷- ما در اینجا از هر نظر تحت فشار هستیم و رنج و عذاب میکشیم من از همه بیشتر بخاطر فرزندانم رنج و عذاب میکشم چرا که بچه های من که باید در این سن پشت میزهای مدرسه در حال تحصیل باشند دارند در جایی زندگی میکنند که هیچ ارزش انسانی برای ما قائل نیستند. از صبح تا شب فرزندانم در این کشور غریب تک و دو میکند تا شاید بتوانند خرج بخور و نمیری در آورند.
۸- خوشبختانه خیر.
۹- من به عنوان یک زن پناهجو و بعنوان یک مادر از سازمانهای مدافع حقوق بشر انتظار دارم کاری برای افرادی که در وضعیت ما بسر میبرند انجام دهند حقوق ما زنان از هر نظر پایمال شده چرا که آنها فکر میکنند ما حقوقی حتی برای زنده ماندن هم نداریم. این سازمانها باید به صورت گسترده و فعال زنانی را که حقوقشان زیر پا گذاشته شده و در وضعیت بدی بسر میبرند کمک مرده و آنها را از این وضعیت نجات دهند.
۱۰- بله ما دیپورت اول را گرفته ایم و مطمئنا تا مدتی نه چندان دور دیپورت دوم را هم خواهیم سختتر میشود.

بزرگترین مشکل ما همین بلاتکلیفی و ترس از دیپورتی و سرنوشت خودمان و بچه هایمان است و اینجا از تمام سازمانهای انسان دوست از فدراسیون سراسری پناهندگان میخواهیم که کاری برای ما انجام دهند تا بتوانیم به دور از هرگونه ترس شکنجه در کشور سوی به زندگی خود ادامه دهیم .

۶- کودکانمان واقعا در معرض خطر سلامتی قرار دارند هیچ گونه امکانات تفریحی برای آنها نداریم حتی از این چهاردیواری خانه بیرون نمی روند و امکانات تحصیلی ندارند. فقط یک مدرسه یوان تاسیس کرده که معلم هایش را از خود پناهجویان انتخاب کرده که اصلا به کار خود ماهر نیستند و حقیقتا از سرنوشت بچه هایمان در هراس هستیم و هرگونه بیماری آنها به قیمت جان کندن والدینشان تمام میشود و اگر بتوانم با هزار بدبختی یک برکه پزشکی از یوان بگیریم .

۷- از همه چیز از فقر از بلاتکلیفی از تحقیر یوان و پلیس از ترس دیپورتی در عذاب هستیم و هزاران مشکل دیگر .

۸- خیر .
۹- انتظار داریم که حمایت کنند از لحاظ مالی از لحاظ پرونده امان در یوان از لحاظ بهداشتی کاری انجام بدهند تا از این وضعیت خلاصی پیدا کنیم .

۱۰- ما شمال عراقی هستیم و بلاتکلیفی و ما را آزاراف نکردند و به قول خودشان ما را دیپورت نمیکنند ولی به ما هم پرواز نمیدهند.

را انجام دهند و تقاضای دوم من این است که از نظر مالی هم به ما کمک بکنند.

پناهجو شمال عراق آریتا - ش ۱- ۳ سال است که در اینجا که در اینجا پناهنده ام با شوهرم پناهجوی شمال عراق هستیم و بصورت فرمال یک قبولی به ما داده اند ولی ما را آزاراف نمیکنند و هنوز ما را به هیئتی برای انتقال به کشور سوم ندادند.

۲- خیر من زیر کیس شوهرم هستم. برخوردارشان هم خوب بود ولی بعد از مدت طولانی یوان به ما جواب دادند دو و نیم سال طول کشید چون من زیر کیس هستیم مستقل مصاحبه نکرده ام .

۳- واقعا به سختی میگذرد و از هیچ نوع امکانات زندگی برخوردار نیستیم ، کار میکنیم تا بلکه بتوانیم خرج و خوراک بچه را تامین کنیم درحالیکه این هزینه ها به هیچ وجه کفاف زندگی ما را نمیدهند و یوان هم هیچ کمکی به نمیکنند.

۴- از نظر بهداشتی درمانی صرفه هیچ گونه امکاناتی نداریم در خانه های گلی پر از انواع جانوران عقرب و مار و حشرات زندگی میکنیم به انواع مریضی های سو تغذیه و روانی دچار شده ایم و در مواقع بیماری هیچ چاره ای جز تحمل کردن نداریم و تنها درمانی که به فریاد بدن ما میرسد مقاومت گلبولهای سفید خودمان است.

۵- مشکلات زیاد است ولی

نزد پزشک نتوانستیم برویم و هیچ دارویی هم پیدا نکردیم که مصرف کنیم. در واقع هیچکدام از ما سالم نیستیم و همه بیماریهای مختلفی داریم .

۵- مهمترین مشکل ما اکنون دیپورتی است که ترس و وحشت آن. تقاضا دارم که برای این مشکل اقدامی بشود و برای رفتن به کشور سوم یا از طریق باز شدن پرونده ام توسط UNHCR و یا از طریق سفارتخانه ها و اسپانسر. امیدوارم هر چه زودتر اقدام شود. ۶- وضعیت کودکان پناهنده در اینجا خیلی بحرانی و اسفناک است. دختر ۱۹ ساله من هشت و نیم سال است که تحصیل نکرده روحیه او خیلی ضعیف است عصبی است نا امید و محروم از هر امکانات ابتدائی است دو فرزند دیگرم که کوچک هستند آنها هم همین حال را دارند از امکانات پزشکی و تفریحی محروم هستند . ۷- دیپورتی ، بلا تکلیفی ، فقر و مردمان نامرد ترکیه.

۸- بله از جانب خانواده چه خانواده همسرم و خودم طرد شدیم و چه از جانب یوان و امنیت و هم اینکه از مردمان وان که میدانند بدون سرپرست هستیم مورد هجوم نامردان هستیم .

۹- قبلا از حضور همگی هموطنان دلسوز و عزیز و گرمی تشکر و قدردانی میکنم و از آنها انتظار دارم که صدای فریاد ما را شنیده و هرچه زودتر برای انتقال ما از این کشور به کشور سوم اقدامات لازم

گرفت این روش جدید UNHCR میباشد و اگر ما را به کشور خود دیپورت کنند جان خود و خانواده امان به خطر میافتد و بازداشت و زندانی خواهیم شد و بعد از آن هم که سرنوشتمان مشخص است .

(جمیله نادری) ایرانی
۱- سال ۹۷ به ترکیه آمدم و وضعیت پرونده ام بسته است .
۲- بله خیلی سرد و بی تفاوت نسبت به اتفاقاتی که برای ما افتاده و برای آنها بازگو میکردم.
۳- زندگی در اینجا خیلی سخت میگذرد به علت اینکه کار برای ایرانیان نیست و باید به صورت قاچاق جهت امرار معاش و زندگی آنهم با درآمدی خیلی ناچیز که کفاف زندگی را نمیدهد کار کرد. از طرفی برای خانمهایی که بدون همسر و با فرزند هستند خطر بیشتر است از قبیل آدمهای گرگ صفت و وحشی زیاد است باید بگویم زندگی در اینجا همراه است با زجر و سختی و دلهره .

۴- از نظر بهداشت و درمان صفر است چون پرونده ما بسته شده هیچگونه کمکی از طرف یوان و دولت ترکیه نمیشود اگر از بیماری رو به مرگ هم برویم هیچگونه کمکی بخصوص از UNHCR به ما نمیشود. داروهای خود را یا از دوستان ایرانی گرفته یا بدون دارو میگذرانیم. کمالینکه پسر ۱۴ ساله و خود من حدود دو ماه مریض هستیم و متاسفانه برای معاینه

جهت ارتباط با تشکیلاتهای هم مرز با ایران،

لطفا با نسرین رضانعلی با شماره تلفن

زیر تماس بگیرید: 00491725350946

رادیو و تلویزیون کانال جدید شروع بکار کرد

برنامه تلویزیونی

فدراسیون در

کانال جدید

آغاز به کار کرد

کانال جدید هر شب

از ساعت ۸ تا ۱۰

برنامه پخش می کند

ماهواره: تل استار ۱۲

فرکانس: ۱۹۲۷۹

اف ای سی: ۲\۳

پلاریزاسیون: افقی

به فدراسیون

کمک مالی کنید!

* کمک مالی شما به ما امکان می دهد تا بتوانیم با دست بازتری در مقابل دول غربی که در تلاش نابودی قطعی حق پناهندگی اند، قوی تر و بین المللی تر مبارزیمان را سازماندهی کنیم.

* کمک مالی شما به ما امکان می دهد تا بتوانیم از پناهجویان ایرانی در کشورهای ترکیه، عراق، پاکستان و آذربایجان با قدرت بیشتر دفاع کنیم

مینا احمدی (شمال عراق)
۱- مدت ۲ سال است که اینجا هستیم ، از شمال عراق هستیم ، یک قبولی فرمال به ما دادند ولی آزاراف نشدیم .
۲- بله خودم سر کیس هستم و برخوردار وکیل بد نبود .
۳- به سختی میگذرد و خواسته های بچه هایمان را نمیتوانم برآورده کنم هر چند وقت یکبار خانواده ام ناچارا مرا کمک میکنند و به حدی کم است که کفاف زندگی ام را نمی دهد.

۴- هیچ گونه امکاناتی نداریم با هزار بدبختی و رفت و آمد تا یک برکه پزشکی از یوان تحویل بگیریم .

۵- بلاتکلیفی بزرگترین مشکلی